



جمع‌بندی نکات ترجمه

ایران تونل
توشه‌ای برای موفقیت

فعل

ماضی:

- ۱- ماضی ساده: ذَهَبَ: رفت
- ۲- ماضی منفی: ما + ماضی ساده: ما ذَهَبَ: نرفت
- ۳- ماضی نقلی: قد + ماضی ساده: صفت مفعولی + صرف

ایم	ام
اید	ای
اند	است

 قد ذَهَبَ: رفته است
- ۴- ماضی بعید: صرف فعل کان + قد + فعل ماضی هم‌صیغه با کان. ترجمه: صفت مفعولی + صرف «بود»: کان قد ذَهَبَ
 رفته بود کان ذَهَب
- ۵- ماضی استمراری: صرف فعل کان + فعل مضارع هم‌صیغه با کان. ترجمه: می + ترجمه ماضی ساده: کان یذهب: می‌رفت

تذکر: ماضی ساده را می‌توان نقلی ترجمه کرد و برعکس.

ذَهَب = قد ذَهَبَ: رفت - رفته است - رفته

مضارع:

- ۱- مضارع ساده (اخباری): یذهب: می‌رود
- ۲- مضارع منفی: لا + مضارع ساده بدون تغییر: لایذهب: نمی‌رود
- ۳- مضارع نهی: لا + مضارع مجزوم: ترجمه نهی
 ۶ صیغه غایب ← لا یذهب ← نرود
 ۶ صیغه مخاطب ← لا تذهب ← نرو
 ۲ صیغه متکلم ← لا أذهب ← نروم
 نباید بروم
- ۴- امر: باللام: لِ + مضارع مجزوم
 ۶ صیغه غایب: لیذهب ← برو، باید بروم
 ۲ صیغه متکلم: لأذهب ← بروم، باید بروم
 ترجمه: باید + مضارع التزامی
 حاضر: اذهب: برو

- ۵- مضارع منصوب: حروف ناصبه: أَنْ (اینکه / که) - لَنْ: آینده منفی - كَيْ / لِكَيْ: تا / تا اینکه - إِذَنْ: بنابراین - حَتَّى / لِ: برای اینکه - تا همه حروف ناصبه به جز لَنْ + مضارع
 مضارع التزامی ترجمه می‌شود أَنْ یذهب: که بروم

لَنْ یذهب ← نخواهد رفت
 هرگز نمی‌رود

۶- مضارع جحد: لَمْ - لَمَّا + مضارع مجزوم

لَمْ يَذْهَبْ ← ماضی منفی: نرفت

ماضی نقلی منفی: نرفته است

لَمَّا يَذْهَبْ ← هنوز + ماضی نقلی منفی: هنوز نرفته است.

لَمَّا يَذْهَبْ: هنگامی که می‌رود

لَمَّا + مضارع غیر مجزوم / ماضی

لَمَّا ذَهَبَ: هنگامی که رفت

هنگامی که - زمانی که - وقتی که

مستقبل ← سَ، سَوْفَ + فعل مضارع بدون تغییر

سَيَذْهَبُ ← بزودی می‌رود - خواهد رفت

سَوْفَ يَذْهَبُ ← خواهد رفت

قَدْ يَذْهَبُ ← گاهی می‌رود

شاید برود

قَدْ + مضارع

گاهی - شاید

يَعْلَمُ: می‌داند

عَلِمَ: دانست

تعلیم: یاد دادن - آموزش

يُعْلَمُ: یاد می‌دهد

عَلِمَ: یاد داد

تَعْلَمُ: یاد گرفتن - آموختن

يَتَعْلَمُ: یاد می‌گیرد

تَعْلَمَ: یاد گرفت

❁ مصدر را می‌توان به صورت فعلی ترجمه کرد به شرط اینکه کننده آن قبلش مشخص باشد.

قَصْدُ الرُّجُوعِ ← قصد کردم بازگشتن را

مصدری

کننده مصدر

قصد کردم که بازگردم

فعلی

❁ اگر «أَنْ» ناصبه بر سر فعل مضارع بیاید می‌توان آن را به صورت مصدری ترجمه کرد.

عليك أَنْ تَذْهَبَ ← برتوست که بروی ✓

ناصبه

فعلی

برتوست رفتن ✓

مصدری

ترجمه افعال ناقصه: كان: بود، ليس: نیست، صارَ = أَصْبَحَ: شد - گشت - گردید

لِ و عَنْدَ ← دارم داری دارد ...

↓ ↓
برای نزد

ليس + لِ و عَنْدَ ← ندارم نداری ندارد ...

ما

كان + لِوِ عَندَ ← داشتم داشتی داشت ...

ما كان + لِوِ عَندَ ← نداشتم نداشتی نداشت ...

لَمْ يَكُنْ

نبود

يَكُونُ + لِ ← دارم داری دارد ...

می‌باشد عَندَ

لَا يَكُونُ + لِ ← ندارم نداری ندارد ...

نمی‌باشد عَندَ

كُنْ: باش ، لَا تَكُنْ: نباش ، لَمْ يَكُنْ: نبود، نبوده است

❁ كان را می‌توان «است - هست» هم ترجمه کرد.

لَمْ يَكُنْ ذَهَبٌ: نرفته بود

لَمْ يَكُنْ يَذْهَبُ: نمی‌رفت

ما + ماضی + ماضی

ما + ماضی + مضارع

ماضی بعید منفی

ماضی استمراری

❁ ما + ماضی = لم + مضارع مجزوم

ما كان = لَمْ يَكُنْ

ترجمه معلوم و مجهول:

در ترجمه ماضی مجهول «شد» می‌آوریم.

خُلِقَ: آفریده شد

در ترجمه مضارع مجهول «می‌شود» می‌آوریم.

قِيلَ: گفته شد

يُقَالُ: گفته می‌شود

ترجمه باب‌ها:

❁ اگر فعلی لازم باشد به باب افعال و تفعیل برود و به صورت متعدی ترجمه می‌شود:

خَرَجَ	باب افعال	أَخْرَجَ	باب تفعیل	فَرَّخَ
خارج شد		خارج کرد		شاد کرد
لازم		متعدی		متعدی

❁ در ترجمه باب مفاعله اصولاً از کلمه [با] استفاده می‌شود:

قَاتَلَ النَّاسُ الْأَعْدَاءَ: مردم با دشمنان جنگیدند.

باب مفاعلة

❁ اصولاً در ترجمه باب تفاعل از کلمات [با هم، با همدیگر] استفاده می‌کنیم:

تَقَاتَلَ الْأَعْدَاءُ: دشمنان با هم جنگیدند

باب تفاعل

❁ معنای باب استفعال طلب و درخواست است:
 اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ: از خداوند طلب و درخواست آمرزش می‌کنم

معنای چند فعل با حرف [پ]
 جاء: آمد ← جاء پ: آورد / ذَهَبَ: رفت ← ذَهَبَ پ: بُرد
 أتى: آمد ← أتى پ: آورد / قامَ: بلند شد - برخاست ← قامَ پ: پرداخت، اقدام کرد

چند فعل مهم:
 سَمِعَ: شنید
 جَرَى: جاری شد ← يَجْرِي: جاری می‌شود
 اِسْتَمَعَ: گوش داد
 أُجِرَى: جاری کرد ← يُجْرِي: جاری می‌کند

ترجمه اسلوب شرط:

ادات شرط: إِنْ: اگر، چنانچه، مَنْ: هر کس، هَر كِه، مَا: هر چیز، هَر چِه، إِذَا: اگر، هرگاه

❁ فعل شرط چه ماضی، چه مضارع به صورت مضارع التزامی و جواب شرط چه ماضی، چه مضارع به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَنْجَحْ: هر کس ایمان بیاورد به خداوند موفق می‌شود
 ادات شرط فعل شرط جواب شرط مضارع التزامی مضارع اخباری

❁ اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشند می‌توان آنها را به همان شکل ماضی نیز ترجمه کرد.

مَنْ صَبَرَ ظَفَرَ : هَر كَس صَبَرَ كَرْد پِیروز شد.
 ادات شرط فعل شرط ماضی جواب شرط ماضی ماضی ماضی

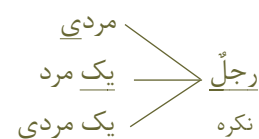
❁ اگر جواب شرط فعل امر، نهی، مستقبل باشد مثل خودشان ترجمه می‌شوند نه مضارع اخباری.

إِنْ تَصْبِرْ فَسَوْفَ تَنْجَحْ: اگر صبر کنی موفق خواهی شد.
 ادات شرط فعل شرط جواب شرط مستقبل

❁ کلمات و إِنْ - وَلَوْ به معنای [اگر چه - هر چند - حَتَّى اگر] در وسط جمله می‌آیند و فعل بعدشان را به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم:

بعض الأصدقاء و إِنْ كانوا محترمين
 بعضی از دوستان هر چند محترم باشند
 مضارع التزامی

ترجمه معرفه و نکره



✽ هرگاه اسمی نکره بیاید و همان اسم جلوتر با «أل» بیاید، أل را می توان، [این و آن] ترجمه کرد.

رأيتُ أفراساً. كانتِ الأفراس جنب صاحبها.

نکره ال دار

دیدم اسب هایی را . بودند آن اسب ها (اسب ها) کنار صاحبشان.
این

ترجمه «كُلّ»

۱- كُلّ + اسم نکره مفرد: كُلّ شيء : هر چیزی
هر نکره مفرد

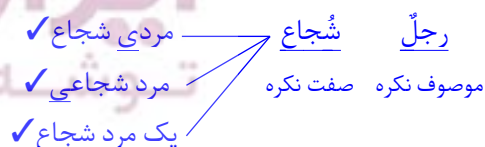
۲- كُلّ + اسم معرفه جمع: كُلّ الناس : همه مردم
همه - تمام - سراسر معرفه جمع

۳- كُلّ + مِن: كَلّ من الأصدقاء : هر یک از دوستان
هر یک - هر کدام

✽ خبر اگر نکره باشد می توان آن را به صورت معرفه ترجمه کرد.

الغيبَةُ حرام: غيبت حرام است.
مبتدا خبر نکره معرفه

✽ اگر موصوف و صفت هر دو نکره باشند یا «ی» را در موصوف و یا در صفت می آوریم.



ترجمه ضمائر:

۱- به جای تمامی ضمائر متصل فارسی می توان از کلمات [خود، خویش، خویشان] استفاده کرد.

۲- ضمیر منفصل قبل از فعل را می توان ترجمه نکرد چون از فعل متوجه آن می شویم.

ما می رویم ← نحن نذهب ✓
نذهب ✓

۳- به جای ضمیر می توان مرجع ضمیرش را ترجمه کرد:

مواهب الدنيا و نعمها ← موهبت های دنیا و نعمت هایش ✓
مرجع ضمیر ضمیر ← موهبت ها و نعمت های دنیا ✓
مرجع ضمیر

۴- فعل + نی المعلم ساعدني ← معلم کمک کرد مرا ✓
مرا - به من ← معلم کمک کرد به من ✓

ترجمة اسم موصول:

ال دار + موصول خاص : الإنسان الذي : انسانی که - انسان که
ی که

الانسان هو الذي ← انسان همان کسی است که، انسان کسی است که
الحيوان الذي : حیوانی که

الحيوان هو الذي ← حیوان همان است که ✓
حیوان است که ✓

ترجمة اسم اشاره:

اسم اشاره + ال دار ال طالب ... : این دانش آموزان ...
مفرد ترجمه می شود مشارّ اليه تابع اشاره ال دار مشارّ اليه

چون ال دار خبر نیست پس بعدش [است و هست] نمی آوریم.

اسم اشاره + اسم نكرة (بدون أل)

مطابق با خودش چون خبر است بعدش ترجمه می شود [است و هست] می آوریم.

هؤلاء طُلاب

اشاره نكرة مبتدا خبر

۱- اینها دانش آموزانی هستند. ✓

جمع + ی

۲- اینان دانش آموز هستند. ✓

مفرد بدون ی

هنا (اینجا)، هناک (آنجا) در ابتدای جمله بر سر اسم می تواند [وجود دارد - هست] ترجمه شود.

هناک مدرسة ← مدرسه ای هست ✓
مدرسه ای وجود دارد ✓
آنجا مدرسه ای است ✓

ترجمه اسم تفضیل:

اسم تفضیل + مِن هو أَفْضَلُ مِنْ أبیه: او بهتر از برادرش است
تر اسم تفضیل

اسم تفضیل + اسم بدون مِن أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ: بهترین کارها
ترین تفضیل اسم بدون مِن

ترجمه اسم مبالغه: [فَعَالٌ - فَعَالَةٌ]

اگر اسم مبالغه دلالت بر شغل و ابزار و وسیله نداشته باشد می توان در ترجمه اش [بسیار] آورد: علامة ← بسیار دانا

ترجمه جمله وصفیه:

قبل از جمله وصفیه در ترجمه حرف ربط [که] می آوریم.
إِرضاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ: راضی ساختن مردم هدفی است که بدست آورده نمی شود.
نکره جمله وصفیه

هرگاه جمله ای با ماضی شروع شود و در ادامه جمله وصفیه با مضارع بیاید فعل ماضی اول عادی مثل خود و فعل مضارع جمله وصفیه به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

رَأَيْتُ طَبِيبًا يَعِشُ الْجَمَالَ: دیدم گرگی را که عشق می ورزید به زیبایی
ماضی نکره وصفیه مضارع ماضی استمراری

هرگاه جمله ای با ماضی شروع شود و در ادامه جمله وصفیه با ماضی بیاید فعل ماضی اول مثل خودش و فعل ماضی جمله وصفیه به صورت ماضی بعید یا مثل خودش ترجمه می شود.

اشْتَرَيْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ: خریدم کتابی را که دیده بودم (دیدم) آن را از قبل
ماضی نکره وصفیه ماضی بعید

هرگاه جمله ای با مضارع شروع شود و در ادامه جمله وصفیه با فعل مضارع بیاید فعل مضارع اول را عادی مثل خودش و فعل مضارع جمله وصفیه را به صورت مضارع التزامی ترجمه می کنیم.

أَفْتَشُّ عَنْ كِتَابٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ
مضارع نکره وصفیه مضارع

جستجو می کنم از کتابی که کمک کند مرا در فهمیدن متن ها
مضارع التزامی

در دو مورد [ی که] می خوانیم:

حقّی که ضرر می رساند ...

۱- ال دار + اسم موصول خاص + فعل: الْحَقُّ الَّذِي يَبْضُرُ ...
ال دار موصول خاص فعل

۲- نکره + فعل ...: حَقٌّ يَبْضُرُ ...

جمله وصفیه نکره وصفیه

عَلَى = يَجِبُ عَلَى

عَلَى الْإِنْسَانِ
يجب عَلَى الْإِنْسَانِ
انسان باید ✓
بر انسان واجب است ✓
بر انسان است ✓

هرگاه بعد از [عَلَى = يَجِبُ عَلَى] اسمی بیاید و بعد از آن یک فعل منفی بیاید می‌توان [عَلَى = يَجِبُ عَلَى] را [نباید] هم ترجمه کرد.

بر انسان واجب است که دروغ نگویید ✓

يجب عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ لَا يَكْذِبَ
اسم فعل منفی
انسان نباید دروغ بگوید ✓

ترجمه ترکیب وصفی و اضافی:

هرگاه اسمی جمع باشد حتماً باید به صورت جمع ترجمه شود و نمی‌توان آن را مفرد ترجمه کرد ولی اگر اسمی جمع باشد و صفت واقع شود مفرد ترجمه می‌شود:

الْعُلَمَاءُ الْمُسْلِمُونَ: دانشمندان مسلمان
موصوف صفت (جمع) مفرد

اگر اسمی جمع باشد و مضاف‌الیه واقع شود همان جمع ترجمه می‌شود:

عُلَمَاءُ الْمُسْلِمِينَ: دانشمندان مسلمان
مضاف مضاف‌الیه جمع
مفرد

عَيْنِي ← عَيْن + ي: چشم من

عَيْنِي ← عَيْنَيْنِ + ي: دو چشم من - چشمان من
مضاف مضاف‌الیه حذف می‌شود

اگر همزمان برای اسمی هم صفت آمد و هم مضاف‌الیه در عربی ابتدا مضاف‌الیه می‌آید و بعد صفت ولی در فارسی ابتدا صفت ترجمه می‌شود و بعد مضاف‌الیه.

كِتَابُهُ الْجَمِيلُ: کتاب زیبای او
مضاف صفت مضاف‌الیه
موصوف مضاف‌الیه

كِتَابُهُ الْجَمِيلُ: کتاب او زیباست.
مبتدا م.الیه خبر

هرگاه اسمی در عربی صفت بود نگاه می‌کنیم صفت کیست صفت هر کسی بود در فارسی کنار آن ترجمه می‌شود.

أَشْعَةُ الْقَمَرِ الْفُضِّي: أشعة ماه نقره‌ای
مؤنث مذکر صفت مذکر موصوف

أشعة القمر الفضيّة: أشعة نقره ای ماه
مؤنث مذکر صفت
موصوف مؤنث

أشعة الشمس الذهبية: أشعة طلایی خورشید
مؤنث مرفوع مؤنث مجرور صفت مؤنث
موصوف مرفوع

ترجمة حروف مشبهة بالفعل:

إنّ: قطعاً - همانا - بی شک - بی تردید - بطور قطع بر سر کل جمله می آید و ترجمه نشود هم اشکالی ندارد.
أنّ: که

إنّما: فقط - تنها

كأنّ: مثل اینکه - گویی - انگار - مثل

ليت: ای کاش - کاش - کاشکی

لكنّ: ولی - اما

لعلّ: شاید - امید است که - امید آنکه

لأنّ: زیرا - چرا که

✽ ليت + فعل مضارع

لعلّ به صورت مضارع التزامی

ترجمه می شود

ليت الشباب يعود: ای کاش جوانی برگردد.

مضارع التزامی

مضارع

ليت ناصرأيتعد عن الكسل

ماضي

۱- کاش ناصر دوری کرده بود از تنبلی ✓

ماضي بعيد

۲- کاش ناصر دوری می کرد از تنبلی ✓

ماضي استمراری

✽ ليت + ماضي

به صورت ماضي بعيد

یا ماضي استمراری ترجمه می شود

لعلّ + ماضي

به صورت ماضي

ترجمه می شود هرطور زیباتر بود

ترجمة لای نفی جنس:

لا إكراه في الدين: هیچ اجباری در دین نیست.

هیچ + ترجمه جمله + نیست

✽ هرگاه بعد از «بدأ» فعل مضارع بیاید به صورت مصدری ترجمه می شود.

بدأ القوم يتهايمسون: قوم شروع کردند به پیچ کردن

مضارع

لا تَكُونَنَّ: هرگز نباشید

✽ لا نهی + فعل مضارع با ن ← هرگز نه

ترجمهٔ حال:

در ترجمهٔ حال مفرد از پیشوند [با] و پسوندهای [ا] ، ان ، انه ، نده [استفاده می‌کنیم.

↓ ↓ ↓ ↓ ↓
 با خوشحالی گوارا خندان عذرخواهانه بشارت دهنده

رأيتُ الطفلَ مسروراً: دیدم کودک را با خوشحالی
حال

در ترجمهٔ حال جمله (فعلیه - اسمیه) از کلمات [در حالی که - که] استفاده می‌کنیم.

✽ شروع جمله + جمله حالیه

مضارع

ماضی

مثل خودش ترجمه می‌شود ماضی استمراری ترجمه می‌شود

رأيتُ الفلاحَ يضحك: دیدم کشاورز را در حالی که می‌خندید

ماضی معرفه جمله حالیه ماضی استمراری
مضارع

✽ شروع جمله + جمله حالیه

ماضی

ماضی

مثل خودش ترجمه می‌شود ماضی بعید یا مثل خودش ترجمه می‌شود

رأيتُ المعلمَ حزينَ دیدم معلم را در حالی که ناراحت شده بود (ناراحت شد)
ماضی بعید ماضی معرفه جمله حالیه

ترجمهٔ اسلوب حصر:

هرگاه جملهٔ قبل از «إلا» منفی باشد و مستثنی‌منه حذف شده باشد جمله را به دو شکل ترجمه می‌کنیم:
ما جاء إلا كاظم

۱- عادی و منفی: نیامد جز کاظم

۲- فقط و تنها بر سر اسم بعد از إلا آورده و فعل را مثبت می‌کنیم: فقط کاظم آمد تنها

ترجمهٔ مفعول مطلق:

۱- مفعول مطلق تأکیدی: قبل از فعل از قیدهای تأکیدی [قطعاً - حتماً - مسلماً - بی‌شک ...] استفاده می‌شود.

نَزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً: قطعاً نازل کرد خداوند قرآن را

مفعول مطلق تأکیدی

۲- مفعول مطلق نوعی: به دو صورت می‌آید:

الف) اگر بعد از مفعول مطلق مضاف‌الیه بیاید: به جای خود مفعول مطلق از کلمات [مثل، مانند، همچون، شبیه ...] استفاده می‌کنیم.

أَنْظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظْرَ الزَّاهِدِينَ

مفعول مطلق نوعی مضاف‌الیه

نگاه کنید به دنیا همچون پارسایان

ب) اگر بعد از مفعول مطلق صفت بیاید: مفعول مطلق را ترجمه نکرده به جای آن صفت را به صورت قیدی می‌آوریم:

إصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا: به زیبایی صبر کن

مفعول صفت

مطلق نوعی

آبی باشید